

بررسی تطبیقی القاب تحقیر و تمجید در زبان فارسی و کردی

پرستو رضایی*

چکیده

زبان پدیده و رفتاری اجتماعی است، زبان به وسعت زندگی و جغرافیاست و دارای بخشهای مختلفی است. القاب در هر زبانی، یکی از بخشهای آن است. لقب یا برنامه، اسمی غیر از اسم اصلی است که شخص به آن شهرت پیدا می کند و همچنین نامی است که دلالت بر مدح یا ذم شخص می کند. معادل لغوی آن در زبان فارسی «پاژنام» است. لقب گذاری در ایران پیش از اسلام نیز رایج بود. به عقیده هندوشاه نخجوانی این بخش از قابلیت های زبان زنده، در دوران آل بویه و سلجوقیان در میان عرب ها هم رواج یافت و بعدها در ایران جانشین «کنیه گذاری» که شیوه ای عربی بود گردید. یکی از انواع القاب، القاب تحقیر و تمجید است. کاربرد القاب تحقیر با «تهدید وجهه» ارتباط نزدیکی دارد. القاب یکی از بخش های جهانی زبان های زنده و دارای گویشور می باشند که مردم در زندگی روزمره برای ایجاد ارتباط از آن استفاده می کنند. القاب برای اشاره و خطاب به افرادی که دارای خصیصه ای خاص هستند به کار می روند و منعکس کننده روابط اجتماعی در جامعه هستند. هدف مقاله حاضر، مقایسه تطبیقی القاب تحقیر و تمجید، در دو زبان کردی و فارسی است. این مقاله ضمن اینکه جستاری میان رشته ای در حوزه های زبان شناسی، جامعه و روان شناسی فردی و اجتماعی است اما، به نوبه خود نیز می تواند زمینه بهبود ارتباطات انسانی را در دو زبان یاد شده فراهم کند؛ و در نتیجه می تواند در همبستگی بیشتر و وفاق ملی موثر

* کارشناس ارشد زبان شناسی همگانی، دبیر زبان انگلیسی ناحیه ۳ کرمانشاه

Parastoo_rezaei@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۲/۲۴

تاریخ دریافت: ۹۷/۱۲/۲۳



باشد. در این راستا القاب تحقیر و تمجید فارسی و کردی را انتخاب و مقایسه و بررسی کردیم. پژوهش به شیوه میدانی است.

واژگان کلیدی: القاب، مدح، ذم، وجهه، زبان کردی، زبان فارسی، نظریه ادب.

مقدمه

از آن جا که استهزا در طبیعت خود، با تحقیر و توهین همراه است، یا چنین صفاتی را تداعی می‌کند، سبب تخریب روحیه فرد مورد استهزا می‌شود و هدف اصلی از این عمل، حفظ و تقویت نیروی فردی و تضعیف روحیه طرف مقابل است. انتخاب صورت‌های خطاب نامناسب در برخی از موقعیت‌ها می‌تواند منجر به سوء تفاهم شده و روی روابط دو نفر تأثیر جدی بگذارد. هر کدام از صورت‌های خطاب از فرهنگی به فرهنگ دیگر کاملاً متفاوت‌اند، لذا خطابی که ممکن است در یک جامعه زبانی به عنوان هنجار و ارزش مطرح باشد، ممکن است در یک جامعه دیگر به عنوان ضد ارزش تلقی شود و همین می‌تواند نشان دهنده ارتباط تنگاتنگ زبان و جامعه باشد. استهزا و تمسخر هر چند بیشتر به عنوان نابهنجار و صفت ضد اخلاقی و ناپسند شناخته می‌شود اما بشر گاهی از آن به عنوان ابزاری تنبیهی و یا مجازات و یا اصلاح و هدایت دیگران بهره می‌جوید چنان که در دوران ما این روش به عنوان یکی از روش‌های بازسازی اخلاقی و گاه تنبیه و مجازات گناهکاران و افراد ناسالم اجتماعی و تخریب ناهنجاری‌ها بهره گرفته می‌شود و همانند آتش که گاه برای خاموش کردن آتش استفاده می‌شود، این نابهنجار برای نابودی نابهنجار مورد استفاده قرار می‌گیرد. لقب نامی است که در آن معنی مدح و یا ذم منظور باشد. القاب، پسوند و پیشوندهایی هستند که در زندگی روزانه ما کاربرد زیادی دارند و دارای طبقه بندی مشخص و فرهنگ معانی می‌باشند. طبع افراد برخی از القاب را می‌پسندد و رغبت فراوان نشان می‌دهد و برخی را نمی‌پسندد، این واقعیتی است که ریشه در جاهایی عمیق‌تر از تعارفات اجتماعی دارد. نکته‌ای که باید به آن توجه شود این است که لقب ویژه‌ی ملت خاصی نیست، بلکه در میان همه‌ی ملت‌ها و



اقوام جهان به انحاء گوناگون رسمیت و رواج داشته و دارد. از قبیل لقب «سر» و «لرد» در میان انگلیسی‌ها و لقب «شوالیه» و «کنت» در میان فرانسویان.

نظریهٔ ادب

نظریهٔ ادب را می‌توان به عنوان یکی از مهم‌ترین و مؤثرترین نظریه‌های زبان‌شناسی در ۲۰ سال اخیر معرفی کرد. از دیدگاه زبان‌شناسی، ادب به معنی احترام گذاشتن به وجههٔ دیگران است. ادب انواع مختلف دارد که برحسب اینکه کدام وجهه (مثبت یا منفی) را تهدید می‌کند، مورد استفاده قرار می‌گیرد (لامرت^۱، ۱۹۹۷: ۴). بیشتر القاب زیبا نیستند، زیرا مؤدب بودن در فرهنگ مهم است و برخی از القاب همانند القاب تحقیر که القابی نامناسب و نامطلوب هستند، ادب و مهربانی را به همراه ندارند (نقل از چینگ لین، ۲۰۰۷: ۲). نظریهٔ ادب همگانی یا نظریهٔ براون و لوینسون که تکمیل‌کنندهٔ نظریات گافمن در حوزهٔ وجهه است از مهم‌ترین و مؤثرترین نظریه‌های زبان‌شناسی در ۲۰ سال اخیر است. تئوری براون و لوینسون منجر به جلب توجه زبان‌شناسان دیگری مانند جانان کالپیر شد که به جنبهٔ دیگر نزاکت یعنی بی‌نزاکتی پرداخت. جک ریچارد (۱۹۹۲) در فرهنگ لغت زبان‌شناسی، بی‌نزاکتی را «تلاش فرد برای لطمه زدن به وجههٔ منفی دیگران» تعریف کرده است. کالپیر بی‌نزاکتی را به دو نوع تقسیم کرده است: بی‌نزاکتی مثبت و بی‌نزاکتی منفی. بی‌نزاکتی مثبت به استفاده از راهکارهایی برای لطمه زدن به وجههٔ مثبت دیگران گفته می‌شود. مانند مخالفت با دیگران. بی‌نزاکتی منفی به استفاده از راهکارهایی برای لطمه زدن به وجههٔ منفی دیگران گفته می‌شود. مانند تهدید و تمسخر.

بار معنایی واژگان زبان

مهمترین بخش واژگان دانستن واژه از دیدگاه معنایی است، زیرا عموماً یک واژه می‌تواند معانی و کاربردهای مختلفی داشته باشد. بخش واژگان زبان لزوماً از دگرگونی‌های فرهنگی و اجتماعی تأثیر می‌پذیرد، به همین دلیل بیش از هر بخش دیگر زبان تغییر می‌کند. زبان از دو مؤلفهٔ «لفظ» و

^۱ Lambert



«معنا» تشکیل شده است و ارتباط استوار و محکم میان «لفظ» و «معنا» موجب می‌گردد تا ذهن انسان از تصور «لفظ» به تصور «معنا» منتقل گردد. القاب تحقیر القابی قراردادی هستند، زیرا همان‌گونه که زبانشناسان می‌گویند: هیچ ارتباط نهفته و رابطه ذاتی و اجتناب‌ناپذیری بین الفاظ و معنایی که بر آن دلالت می‌کند، وجود ندارد، بلکه پیوند میان لفظ و معنا، اعتباری و قراردادی است (هال، ۱۳۳؛ ایچیسون: ۱۸). به طوری که لاینز می‌گوید: امروزه در میان زبانشناسان، قراردادی بودن رابطه لفظ و معنی، امری روشن و از ویژگی‌های اساسی زبان‌های طبیعی به شمار می‌رود (لاینس، ۱۹۸۱: ۱۹).

زبان کردی

زکی بیگ (۱۳۸۰: ۲۲۱) بر اساس نظر هورات و دورمستتر و بعضی از متخصصان می‌گوید: «زبان اوستای زردشت زبان کرد و مادی است و زبان پارسی آن دوره هم آن زبانی بوده که در آثار پرس پولیس (استخر) نوشته شده؛ اختلافی که بعدها در اثر توسعه زبان حاصل شده بدین خاطر بوده که زبان کردی برعکس فارسی تعداد زیاد از کلمات عربی را نپذیرفته و به منظور محافظت خود، شکل افعال را توسعه بخشیده». رخزادی (۱۳۷۹: ۳۱) می‌گوید: «در مورد زبان کردی صرف نظر از پیشینه دور و دراز تاریخچه کهن آن به واقعیت انکارپذیر و عینی و ملموس این زبان در روزگار فعلی باید توجه نمود که امروزه زبان کردی با انشعاب‌های متنوع آن بالغ بر ۴۰ میلیون نفر در نقاط مختلف عالم گویشور دارد و به عنوان یکی از زبان‌های فعال و زنده دنیا در مجامع و سازمان‌های جهانی شناخته شده و نام آن ثبت گردیده است».

القاب و حفظ وجهه

ادب در مفهوم عام، پدیده‌ای جهانی به شمار می‌آید و در فرهنگ هر جامعه ریشه دارد، اما در هر زبان به صورتی متفاوت جلوه‌گر می‌شود. منظور از ادب این است که به دیگران نشان داده شود که به احساسات و نیازهایشان توجه می‌شود. همان‌گونه که بیان شد، نظریه ادب همگانی یا نظریه براون و لوینسون که تکمیل‌کننده نظریات گافمن در حوزه وجهه است از مهم‌ترین و مؤثرترین



نظریه‌های زبان‌شناسی در ۲۰ سال اخیر است. یکی از کارکردهای مهم زبان، حفظ وجهه است. اولین بار گافمن و سپس براون و لوینسون در این زمینه تحقیقات جامعی انجام دادند. براون و لوینسون وجهه را به دو نوع تقسیم کردند: وجهه منفی و وجهه مثبت. وجهه منفی یعنی تمایل انسان به آزادی عمل و آزاد بودن از تحمیل و تکلیف. و وجهه مثبت یعنی تمایل فرد به مورد قبول و تأیید واقع شدن. همه انسانها تمایل به حفظ وجهه خود دارند و بر این امر نیز آگاهی دارند که دیگران نیز این تمایل را دارند. بنابراین برای اینکه هم وجهه خود و هم وجهه دیگران را حفظ کنند در گفتار و رفتار خود نزاکت را اعمال می‌کند (براون و لوینسون، ۱۹۸۷).

نظریه‌ی ادب براون و لوینسون بیشتر بر مفهومی به نام وجهه متمرکز است که نیاز به حفظ آن در افراد در دو حالت وجهه منفی و مثبت نمایان می‌شود (براون و لوینسون، ۱۹۸۷: ۶۲). وجهه از دست رفتنی و یا حفظ‌شدنی است. بنابراین «نه تنها باید موارد مثبت اجتماعی را مورد مطالعه قرار داد، بلکه لازم است موارد منفی نیز بررسی شود. همان‌گونه که قادر نیستیم قدر ارزش‌ها را بدون درک چیزهای بی‌ارزش بشناسیم... پس نمی‌توان به ارزش کاربردهای مثبت زبان بدون درک ناسزاگویی پی برد. هر یک مکمل دیگری است» (لاچینیش، ۱۹۸۰: ۶۸۰). بنا به گفته‌ی موراند (۲۰۰۰) قدرت از طریق ژست‌های زبانی خاص، به شکلی متفاوت، توسط افراد فرادست و فرودست در گفت‌وگوهای روزمره مخابره می‌شود. القاب تحقیر زمانی به کار می‌روند که وجهه در خطر زیادی است و نیز در جایی که گوینده قصد دارد به وجهه شنونده یا مخاطب حمله کند. طبق دیدگاه لباو (۲۰۰۶) ریتمن (۲۰۰۴) خشونت کلامی را به عنوان رفتاری زیانبار تعریف می‌کند که از روی عمد انجام می‌گیرد و معمولاً «بدون دلیل» و «تکرار شونده» است. این رفتار یک «سوءاستفاده عمدی از قدرت» است. القاب تحقیر معمولاً توسط شخص یا اشخاص با قدرت بیشتر به فرد یا افراد با قدرت کمتر داده می‌شود. القاب تحقیر به منظور تهدید وجهه مخاطب و با قصد و نیت به کار گرفته می‌شوند.



القاب تحقیر

به آن دسته از نام‌های غیررسمی و ثانویه که به فرد علاوه بر نام واقعی و قانونی وی داده می‌شود، لقب گفته می‌شود (بوس، ۱۹۸۳، فیلیپس، ۱۹۹۰، لیاو، ۲۰۰۶). نقش و تأثیر فردی که لقب به او داده می‌شود، ناچیز است؛ زیرا افراد در انتخاب القاب خود تقریباً بی‌تأثیرند (احمدی، ۱۳۸۸: ۱۸). القاب به سه دسته تقسیم می‌شوند: مثبت. ۲. منفی ۳. خنثی

القاب منفی: این گونه القاب می‌توانند تأثیر مخرب بر روح و روان فرد داشته باشند و موجب تهدید و جهت‌شخص شوند. این القاب دارای بار منفی و عاطفی تحقیر هستند. القاب خنثی: القابی که در ارتباط با شغل هستند و یا القابی..

القاب عامیانه یکی از منابع مهم برای جست‌وجو و کنکاش در تاریخ اجتماعی به‌شمار می‌رود. از دریچه بررسی این القاب می‌توان به رفتارها، کنش‌ها و واکنش‌های شخصی و اجتماعی آن مردمان در دوره‌های گوناگون تاریخی پی برد. «لقب» و «لقب‌گذاری» در فرهنگ ایرانی، به یکی از ویژگی‌های مهم رفتاری مردمان این سرزمین بدل شده است. شاید تاکنون کمتر به این مسأله توجه کرده باشیم که لقب‌گذاری روی یکدیگر در میان ایرانیان، از گذشته‌های دور تا امروز، رواج فراوان داشته است. زمانی هم که موضوع «لقب در تاریخ» مطرح می‌شود، ذهن‌ها به سوی القابی می‌رود که شاهان از گذشته‌های دور بر خود و نیز بر درباریان به‌ویژه در سده‌های اخیر و مشخصاً در دوره قاجار می‌گذاشته‌اند. این مسأله نیز بیشتر توجه را جلب می‌کند که لقب‌های یادشده در دوره قاجار، «فروشی» بوده‌اند و ماجرا تا آن‌جا پیش می‌رود که فروختن و خریدن لقب، به تعبیر تاریخ‌نگاران به یکی از امراض اعیانی در میانه‌ها و نیمه پایانی دوره قاجار بدل می‌شود. لقب‌های شاهانه و درباری، اما در این‌جا از گستره بررسی‌مان بیرون است. آنچه مورد نظر ما است، لقب‌هایی بوده که مردمان کوچک و بازار در زندگی روزمره بر یکدیگر می‌گذاشته‌اند. لقب‌گذاری مردم روی یکدیگر در تاریخ ایران، به سنتی پاینده و البته قابل تأمل در فرهنگ ساکنان این سرزمین بدل شده است. گسترش این لقب‌گذاری‌ها به اندازه‌ای بوده که آن را به‌عنوان یک سوژه مهم رفتار شخصی و اجتماعی ایرانیان در تاریخ، قابل مطالعه و بررسی کرده است.



القاب تحقیر در زبان فارسی

القاب تحقیر از گونه‌گنش‌هایی است که وجهه مثبت شنونده را تهدید می‌کند. طبق دیدگاه واتس، استراژی‌های ادب به دو دسته تقسیم می‌شوند. ابتدا استراتژی‌هایی که به تأیید و تقویت وجهه مثبت مخاطب منجر می‌شوند و ادب مثبت نام دارند و دوم استراتژی‌هایی که از تجاوز به حریم و آزادی عمل مخاطب و تحمیل به وی پرهیز می‌کند و ادب منفی نامیده می‌شوند (واتس، ۲۰۰۳: ۱۲). با توجه به موقعیتی که گفتگو در آن صورت می‌پذیرد، لحن گویندگان متغیر خواهد بود و ممکن است لحن طعنه‌آمیز، خصمانه و برای تحقیر باشد که در این صورت برای وجهه مخاطب، تهدیدآمیز باشد. گاه این القاب طعنه‌آمیز، ابزار یک گفتمان می‌شود. لقب «آقا زاده» که امروز وارد زبان مردم شده و همه روزه به کار می‌رود دارای بار معنایی جدیدی است که با معنای این عبارت در گذشته تفاوت بنیادی دارد. این اصطلاح امروز برای فرزندان افراد با نفوذ و سرشناسی به کار می‌رود که با تکیه بر این نفوذ و انجام کارهایی اغلب ناروا ثروت‌های افسانه‌ای به چنگ آورده‌اند و بسیاری اصطلاحات یا واژه‌های دیگری که یا کاملاً تازه هستند و یا دیگر دارای معنای واقعی پیشین خود نیستند و بار معنایی جدیدی یافته‌اند: جدول شماره ۵- القاب تحقیر در

زبان فارسی

معادل کردی	مفهوم	آوانویسی	لقب
شازده	این لقب برای فرزندان افراد با نفوذ و سرشناسی به کار می‌رود که با تکیه بر این نفوذ و انجام کارهایی اغلب ناروا ثروت‌های افسانه‌ای به چنگ آورده‌اند.	āqā zāde	آقا زاده
یخ	۱۰۰۰ کیلومتر آن طرف تر از بی احساسی	ājor	آجر
سیف زمینی	۱۰۰۰ کیلومتر آن طرف تر از بی احساسی	sibza(e)mi: ni:	سیب زمینی
فین	آدم فروش، خبر چین	ānten	آنتن
باو فرت	مرد ریز اندامی که زیبایی اندام کار کرده است	Arnold feSorde	آرنولد فشرده
فین	خبر چین	Ava:cs	آواکس
دُمک	کسی که مرتباً کهنه می‌شود و بدون دعوت همه جا می‌رود. طفیلی	āvizün	آویزون



آی نَبَّ عَل اوتوبوس	لقب کسی که گوش‌های پهن و ایستاده و بزرگ	Âyene baqal ottübüs	آینه بغل اوتوبوس
گی ژ	باهوش، زرنگ، برای مسخره کردن هوش کسی هم به کار می‌رود	IQ	آیکو (IQ)
ابرو پان	دارای ابروی پهن و پر مو، ابرو قجری	Abrü pāče bozy	ابرو پاچه بزی
خِلَط گیر	لقب کسی که زیاد از واژه‌ها ایراد می‌گیرد.	Abolhassan Najafi:	ابوالحسن نجفی ^۱
کاخذ سی کار	آدم شق و رق	Otü ke(a)šide	اتو کشیده
دیاتی	دهاتی، تازه به دوران رسیده	Ordak ol zamān	اردک الزمان
ور	از همه جا بی خبر	osküil	اسکل
دستگاهی	تریایی	Asado lah xān	اسدالله خان
دیشکی	بی کلاس و دهاتی	javād	جواد
چِرکن و زَنگِن	آدم حال به هم زن و عوضی	ane ti:li:t	آن تیلیت
ور و گیژ	با شاسگول، به معنی عقب مانده‌ی ذهنی یا ساده لوح	osgül	اوسگول
ور	غربتی گیج، پیه	ošgül	اوشکول
وَض تَقَّ	معتاد به مواد مخدر	Ahle bax[i]ye	اهل بخیه
مامانی	کسی که به دیگران متکی باشد (لوس و نُتر)	bat[æ:nænæ	بچه ننه
گیژ	عقب مانده‌ی گیج	Çalqu:z	چلغوز
ور	نفهم، خنگ، مترادف با اسکل و یوول است.	ga:gül	گاگول
تَپَکَّ	تنبل، بیو و پخمه.	gula:bi:	گلابی
شیل شوپای	لقب آدم درب و داغون و نخراشیده	gu:la:x	گولاخ
ول	علاف، بی‌کاره، کسی که کارهای بی‌هوده می‌کند.	Bâdemjun va:x kun	بادمجون واکس کن

^۱ ابوالحسن نجفی کسی است که کتاب «غلط نویسیم» را نوشته است



بچه شهری	bačče šahri	به نشانه‌ی تحقیر قشر مرفه و بالادست اجتماعی به کار می‌رود که مترادف کلمه‌های لوس، ترسو، پول‌دار و مانند آن‌ها است.	بچکّ فارس
باتری قلمی	Bātri: qalami:	لاغر مردنی	رَقَل
پاچه خوار	pāče xār	چاپلوس	زوان تر
پیاز	piyāz	خنک، مشنگ	وَر
تهران ۵۱	Tehra:n ۵۱	آدم دولتی، کارمند وابسته به حکومت	آیم دولت
تی تیش	ti:ti:S	خیلی وسواسی، خیلی حساس	جوج سسول
جا سویچی	jā suvi:či:	به آدم‌های سیریش و آویزان می‌گویند. آدم‌هایی که خودشان را هر جایی جا می‌کنند	آویزان
جان کوچولو	John kučulu:	آدم درشت هیکل	بُشکّ
چای شیرین	čāy ši:ri:n	کسی که خودش را برای دیگری لوس می‌کند، کسی که چاپلوسی می‌کند.	زوان تر
خالتور	xaltür	مجلس گرم کن، اهل رقص و آواز روحی، موسیقی جوات	لوتی
خَز	xaz	از مد افتاده	خَز
خیار شور	xiyār šo[w]r	آدم بی مزه	تویک تال
حلوا	Halva:	لقب مردهایی که مطیع زنشان باشند و به این جهت مطیع همه مردم باشند.	ژن و زور
زی زی	Zi:zi:	مخفف «زن ذلیل»، لقب مردی که همیشه مطیع و پیرو همسر خود است.	پیا کاس شور
ژولیت	juliet	مامور کلانتری	مأمور
سازمان سنجش	sāz[e]mān sanješ	کسی که زیاد می‌پرسد.	فین
سازمان گوشت	sāz[e]mān gu:št	آدم چاق و فربه	گن گوشت



مَس	مست، لقب کسی که شراب زیاد خورده و تلو تلو می خورد.	savār deraxt angur	سوار درخت انگور
ژر دیشکی	نهایت دهاتی بودن	Super qal'e	سوپر قلعه
متر باز	آدم خز موتور باز	Si ji	سی جی
چَسب دوقلو	سمح، کنه	Si:ri:š	سیریش
دُرُژ	دراز	Ši:lang	شیلنگ
این لقب به دلیل تعصب کردها بر روی زنان در زبان کردی معادل ندارد.	فاحشه‌ای که ادعای پاکی می کند	tāhere	طاهره
ور	گند ذهن	abdu llah	عبدالله
آجیل	با همه رفیق	farā je(a)nāhi	فراجراحی
وِشا	تنبل و تن پرور	frāx	فراخ
این لقب به دلیل تعصب کردها بر روی زنان در زبان کردی معادل ندارد.	دختر شاعر خوشگل	foruq farux zād	فروغ فرخزاد
هَپروتی-هوایی	معتاد به قرص، معتاد به حشیش که در عالم هپروت به سر می برد.	fazānavard	فضانورد
معادل کردی ندارد.	مأمور انتظامی	felfel sabz	لفل سبز
فنج	به نشانه‌ی کوچک بودن و برای تحقیر طرف مقابل یا نشانه‌ی برتری استفاده می کنند.	fenc̣	فنج (فنجول)
عَقَب مانند	عقب افتاده	quz mi:t	قُزمیت
قشنگ (البته این لقب از زبان فارسی	وقتی کسی مدام در حال اشتباه کردن و دچار برداشت‌های اشتباه از چیزی باشد به تمسخر و تذکر	qašang	قشنگ



بدون هیچ تغییری وارد زبان کردی شده است.	او را با این لقب صدا می‌زنند که تاکید و هشدار باشد برای این که طرف مقابل را متوجه اشتباه بودن حرف‌هایش بکنند.		
در زبان کردی کاربرد ندارد.	اهل قم	qomqome	قم‌قمه
در زبان کردی کاربرد ندارد.	مامور انتظامی	Kāktu:s	کاکتوس
درو زن	دروغ گو، خالی بند، مدرک جعل کن	Kurda:n	گردان
کرمو	کسی که کرم می‌ریزد.	kermü	کرمو
خدانشناس	بی‌خدا، کافر، بی‌دین	Na:xuda:	ناخدا
تازه شری	دهاتی، روستایی، جواد	n u:mr ʃ ʔ,hrsta:n	نمره شهرستان
رشو خور	کسی که برای انجام کاری ناروا دستمزد دریافت می‌کند	Rešve xār	رشوه خوار
رفوزه	رد شده در امتحان، مردود	rofuze	رفوزه
ریخن	مردنی، ضعیف مزاج، کم مقاومت	riqu	ریغو
گا	احمق، کودن	dabang	دبنگ
لات	بی سر و پا، لات، ولگرد، آسمان جل	dabur	دبور
گشتل	دختری که بیشتر در بیرون از خانه و کمتر در خانه است	doxtar Sadi	دختر سعدی
ول	لقب کسی که همیشه می‌خواهد بیرون برود، زن بدکاره	dadari	ددری
کُلفت	نوکر، نوکر سیاه	Dade siyāh	دده سیاه
چرکن	آدم کثیف و بد بو	dade matbaxi	دده مطبخی
بِ آورو	وقیح، بی شرم، پرو	dari:de	دریده



دزد و دغل	Dozd v daqal	مکار	دَل دَز
دل‌قک	dalqak	شخص مسخره	این لقب در زبان کُردی نیز سالهاست که رواج دارد.
دل‌گنده	del gonde	سهل‌انگار	
دُم دار	dom dār	پر رو، وقیح، دریده	دُم دُرِیژ
دودی	du:di	اهل دود، سیگاری، تریاکی، معتاد به دخانیات	دودی
دوگلاسی	Dugla:si	سیبل نازک قیطانی	سول قِطانی
دُهَل دریده	dohol daride	بی شرم، ناپارسا	رنگ باز
خر بی یال و دم	Xar bi yāl o dom	احمق، نادان	خر بِ یال و دم
خر پول	Xar pu:l	دارای پول زیاد، تروتمند	خر پُیل
خر چسونه	Xar česo:ne	در مقام تحقیر به شخص خقیق و ناقابل می‌گویند، نام حشره‌ای است	معادل کردی ندارد.
خر حمال	Xar hammāl	کسی که فقط کارهای دشوار می‌کند	خر حمال
خر رنگ کن	Xar rang kon	خوش ظاهر بد باطن	معادل کردی ندارد.
خرس	xers	چاق و درشت، تنومند	خرس
خرس گنده	Xerse gonde	لقبی است که برای تحقیر به کسانی که اداهای خارج از سن خود در می‌آورند.	خرس قاویل
خر کار	Xar kâr	پرکار	خر کار
خشت مال	Xešt māl	دروغ گو، لاف زن	رنگ باز
خنک	xeng	نادان، ابله، کودن	گاوج
خودفروش	Xod foruš	فاحشه، خائن	گَن کار
خوش خدمت	Xoš xedmat	خودشیرین، چاپلوس	خو رَسین



حمال	باربر، ناشی و مبتدی، بی مهارت و بی استعداد	hammāl	حمال
چاپ چویله باز	حقه باز، شارلاتان	čāčulbāz	چاقول باز
معادل کردی ندارد.	لقب زنی که چاقچور می پوشد، زن باحجاب	čāqčuri	چاقچوری
چقو کیش	کسی که با چاقو به مردم حمله می کند، آدم شریر و عربده کش	čāqukeš	چاقو کش
چه پهل	کثیف، ناپاک. کسی که خود را به چیزهای ناشایست آلوده کند، نکبتی	čapal	چَپَل
چَرَب زوان	خوش سخن، چاپلوس	čarbazabān	چرب زبان
چِرکِن	آدم کثیف	čerku	چرکو
چَرَن گو	یاوه گو	čarand gu	چرند گو

القاب تحقیر در زبان کُردی

معادل فارسی	مفهوم	آوانویسی	لقب
مُفلس	پابرهنه، بی چیز	Pa: pæti	پاپَ تی
دَم دَمی مزاج	افرادی که دارای تعادل روحی نیستند.	pæxʃhæda:r	پَخْشَه دار
در فارسی معادل ندارد.	کسی که در خواب زیاد خُرناس کند.	perxen	پِر خِن
تنبل	شُل	terpen	تِر پِن
شکمو	پُر خور، شکمو	terxen	تِر خِن
تنبل	تنبل	tæmæl	تَمَل
شُل	شُل و بی حس	dulqen	دُل قِن
بی سر و پا	بی سر و پا	sær o pæpæti	سَر و پاپَ تی
در فارسی معادل ندارد.	نوزادی که زمان تولد پدرش بمیرد- لقب کودکان بی ادب	Særæ xuar	سَره خور
پررو	سر به هوا، پررو	sære hærz	سَر هَرز

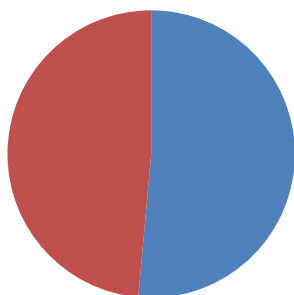


بی حیا	بی حیا، بدزبان	ʃæli:tæ	شَلِیْتِه
دیوانه	لقب افراد کوتاه فکر	ʃi:t	شیت
شوت	لقب افراد سبک عقل	ʃu:t	شوت
آخر شر	کسی که عاقبت بدفرجامی دارد	A:xerʃær	آخِرِ شَر
در فارسی معادل ندارد.	لقب کسی که زیاد رفت و آمد بیخود می‌کند.	awru:ʃen kæræ	آو رُوْشِن کَر
آب زیرکاه	افراد پنهان کار و دورنگ	aw zi:rekʌ	آو ژیر که
زرنگ، تند و تیز	لقب افراد تیز و چابک	aerqæ	آرَقَه
لات	لقب افراد بی‌بند و بار	ælwat	آلواط
فلانی، یارو	لقبی که در هنگام تحقیر به کار می‌رود.	bʌvæ mærdægæ	باوَه مَرْدِگَه
بد دهان	بد زبان، ناسزاگو	bædzu:wʌn	بَد زَوَان
بدریخت، بدفرم	لقب افرادی که خوش تیپ نیستند.	bæd qæ wa:ræ	بَد قَوَارِه
افاده‌ای	تکبردار	Fi: su:	فیسو
جلف	لقب افراد لوس	qerti	قِرْتی
خسیس	تنگ نظر	qurtʃu:k	قُرچوک
جلف	لقب افراد لوس	qereʃmʌl	قِرشمال
کولی	لقب افراد بی حیا	qærætʃi	قَره چی
بد تیپ	لقب افراد به درد نخور	qumqumæk	قُمقُمک
نحس	فرد نحس و بدطالع	qu: ʃmæ	قوشمه (غوشمه)
خان داداش (البته در مقام تحقیر)	برادر بزرگتر - اما در حکم لقب برای تحقیر به کار می‌رود.	kʌberʌ	کابرا
مُتملق	لقب افرادی که به دنبال مال مُفت می‌باشند.	kʌsæli:s	کاسه لیس
مریض	لقب افرادی که مثل میوه کرم خورده هستند	Kermu:	کَرْمو
فقیر	بی چیز	kæmdæs	کَم دس
گیج	نفهم و بی شعور	goudʒ	گاوچ
گیج	حیران و سرگردان	Gougi: dzæ	گاو گیجه
بدهیبت	بزرگ و هیکلی، هیکل زشت و دُرشت	Get u gunde	گِئ و گُنده



گدا گشنه	فقیر و گدا و گرسنه	Geda gusæn	گدا گسنه
پُرخور	لقب کسی که زیاد می خورد.	Gædæ deri:dæ	گده دریده
کچل	لقب کسی که مو ندارد و بدظاهر است.	gær	گر
گرانفروش	لقب افراد گرانفروش	gerʌndʒʌm	گرانجام
دستگاهی	هروئینی	gærti	گرتی
تنبل	شُل و بی حال	germen	گرمین
کچل به درد نخور	نامرتب و افتضاح	Gær u gu:r	گر و گور
کینه	لقب هر شخص بی خاصیتی که چاپلوس است و خودش را به دیگران می چسباند.	ganah	گنه
پُرخور	شکم گنده و شکمو	Gæyæ guʃʌd	گیه گشاد
نامرتب	به درد نخور	gʌr u wær	گر و ر
ویلان، ولگرد	لقب کسی که مُدام بیهوده می گردد.	gæʃtu:l	گشتول
پرو	مظهر روداری	Gen erui:	گن رو
به درد نخور	فرسوده، خراب	gænæʒæ	گنزه
خیلی	آدم چاق و کوتاه	genel	گنیل
بی خاصیت	به درد نخور	Gæn u gu:tʌl	گن و گوتال

القاب تحقیر در زبان کردی و فارسی



■ القاب کردی
■ القاب فارسی



القاب تمجید

لقب دادن به انسان‌ها پیشینهٔ درازی در ایران دارد. پیشینه‌ای ۲۵۰۰ ساله. دقیقاً از زمان هخامنشیان که به اردشیر دراز دست می‌گفتند تا زمان ساسانیان که یزدگرد بزهکار بود و خسرو نوشیروان. سالها می‌گذشت و القاب نسل به نسل منتقل می‌شدند. عقیده گذشتگان این بود که لقب را بیشتر به این دلیل نسبت می‌دادند که انسان را با آن لقب بشناسند. هدف از القاب برای بزرگان وجه تمایز بوده است. خلفا، پادشاهان، امیران، سلاطین، فرمانروایان، کدخداها و... همگی دارای لقب بوده‌اند و برای اینکه با رعیت فرق داشته باشند برای خودشان لقب انتخاب می‌کرده‌اند. حالا یکی مثل سلطان محمود غزنوی لقبش را از خلیفه عباسی می‌گرفت و «یمین الدوله و امین المله» (دست راست خلیفه و امین پیروان مذهب) خوانده می‌شد، یکی هم مثل شاه عباس صفوی «کلب آستان علی» امضا می‌کرد. این القاب حاکی از بالاترین و عالی‌ترین شکل احترام به یک شخص است. در این دسته القابی ذکر می‌شود که برای تعظیم و تکریم است. چنین القابی به گفتار افراد رسمیت و احترام و ادب می‌بخشد. القابی از قبیل /اقا، خانم، بزرگوار، ارجمند، یا اگر اصرار به بار علمی فرد داشته باشیم، مثلاً فرهیخته را استفاده می‌کنیم. این القاب برای گروهی به کار می‌رود که به مصادیق زبانی فقدان ادب و اکنش شدید نشان می‌دهند. در کشورهای خارج از ایران معمول است که همدیگر را با احترام با اسم کوچک معرفی می‌کنند یا خطاب قرار می‌دهند مگر اینکه دیدار بسیار رسمی باشد. حتا رئیس نیز در شرکت‌های خارجی با لحنی محترمانه با اسم کوچک خطاب قرار داده می‌شود. در ایران در محل کار معمول هست که با اسم فامیل به همراه پیشوند آقا یا خانم همدیگر را خطاب قرار می‌دهند و هرچه مقام شخص مقابل، بالاتر باشد با احترام بیشتر و با پیشوندهای بیشتری همچون آقای مهندس، مخاطب قرار می‌گیرد. با اسم فامیل، پیشوند هایی مثل آقا یا آقای مهندس یا خانم یا سرکارخانم یا خانم مهندس و در زبان انگلیسی Mr، Mrs، Ms، Dr، Miss به کار می‌روند که خطاب قرار دادن را هرچه رسمی‌تر می‌کنند. در ایران استفاده از اسم کوچک نشان دهنده وجود صمیمیت است. در کشورهای خارج از ایران خطاب قرار دادن فرد مقابل با اسم کوچک نشان احترام یا صمیمیت نیست بلکه لحن یا پسوندها یا پیشوندهایی که قبل یا بعد اسم کوچک به کار می‌رود نشان دهنده صمیمی بودن یا رسمی بودن



است. به طور مثال پسوندهای جان، عزیز در ایران و پیشوندهای Honey، Dear در زبان انگلیسی که با اسم کوچک همراه می‌شوند نشان دهنده صمیمیت هستند. نکته مهم این است که هیچگاه نباید اسم فامیل را بدون پیشوند آقا یا خانم به کار برد. درست برعکس، اسم کوچک را نباید با پیشوندها یا پسوندهایی مثل آقا یا خانم به کار برد.

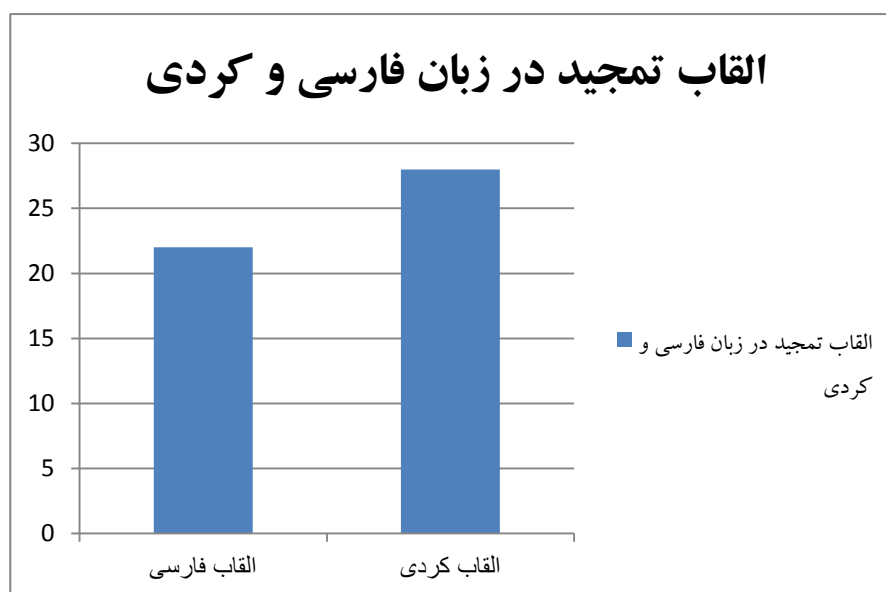
آقای حسینی / آقای مهندس حسینی / جناب آقای مهندس حسینی عزیز / آقای دکتر حسینی
خانم هراتی / خانم مهندس هراتی / سرکار خانم مهندس هراتی عزیز / خانم دکتر هراتی
لحن گویندگان القاب در اینجا گاه خواهشمندانه / ملتمسانه، گاه تحسین‌آمیز / مشوقانه، گاه قدرشناسانه، گاه متواضعانه، گاه محترمانه و گاه دوستانه و صمیمی است.

القاب تمجید در زبان کُردی

معادل فارسی	مفهوم	آوانویسی	لقب
آرام و ساکت	زبان بسته	bæsæ zwan	بَسَه ژوان
صبور	سازگار	besaz	بِساز
نظر کرده	کسی که سهمی غیبی دارد و نیش گزندگان سمی بر او کارساز نیست.	bæfda:r	بَش‌دار
بی‌ریا	یکدل و روراست	br:riya	بِ‌ریا
خجالتی	کم‌رو، زبان‌گُند	br: særu zwan	بِ‌سَرُو ژوان
تمیز	بانظافت، مُنزه	Pert şupak	پِرچ و پاک
	ظریف، کوچک	tærtjek	تَرچِک
	کاملاً تمیز، پاکیزه	Terk tæmiz	تِرک تَمیز
رازدار	آدم راز نگه‌دار، بسته زبان	Tu:da:r	تودار
شکیبا	جبرکش، ستم‌کش	dzour ki:f	جور کیش
فهمیده	باشعور و عاقل	sære]befou	سَرش بَشُو
سربراه	سازگار	salehan	صالحان



پهلوان	لقب مرد زرننگ و قوی	Serakur	شیره گُر
زیبا	لقب کسی که دارای دهانی کوچک و در کل ترکیب چهره زیبا باشد.	Li:mu:dam	لیمو دم
	لقب شخص ارزشمند	aSrafi:	اشرفی



نمودار شماره ۲- القاب تمجید در زبان فارسی و کردی

نتیجه گیری

کاربرد القاب تحقیر سبب تأثیرات بد از جمله مشکلات روانی، مختل شدن روابط اجتماعی، ضعف اعتماد به نفس و خجالتی بودن فرد می گردد. افراد همواره در تلاش هستند در زمینه افکار و احساسات خود در یک حالت متعادل باشند. بنابراین زمانی که شما تملق فردی را می گوئید که اعتماد به نفس بالایی دارد او این تعریف را صادقانه دیده و احساس راحتی بیشتری با شما می کند اما در موردی که فرد اعتماد به نفس پایینی داشته باشد این چاپلوسی می تواند، تأثیر معکوس داشته باشد و حتی در برابر تمجید شما از خود حالت تدافعی بگیرد. آن چه که از این نظریه برداشت



می‌شود پررنگ کردن و تمجید کردن از نقاط قوت افراد است به خصوص نقاط قوتی که خود فرد از آن آگاه است و به آن می‌بالد. القاب تمجید به افراد، اعتماد به نفس بیشتری می‌دهد و در نتیجه شادتر هستند و ارتباطات بهتری را مدیریت می‌کنند و کمتر کسی را از خود می‌رانند. القاب از نشانه‌های مهم فرهنگی هر قومی به شمار می‌روند. در مورد کارکرد اجتماعی شیوه لقب دادن در بین گُردزبانان باید گفت که نوع معیشت و زندگی کردها و ارتباط نزدیک آن‌ها با یکدیگر برای امرار معاش و کارگروهی و روابط خویشی همراه با ایجاد صمیمیت و یکرنگی و مزاح و شوخی و حتی درگیری به وسیله‌ی زبان، نوعی هم‌بستگی قومی را به همراه داشته است. القابی که برای تحقیر انتخاب می‌شوند اغلب در نبود شخص لقب‌گیرنده به کار می‌روند و بیشتر اوقات به هدف شوخی هستند و جدی نیستند. اما القاب تحقیر به طور کلی آزاردهنده هستند. القابی هم که بر اساس مشکلات جسمی به افراد داده می‌شود، گستاخانه هستند. محیط و فرهنگ بر روی کاربرد القاب تأثیرگذارند به طوری که در طی تحقیق مشاهده می‌کنیم، القابی مانند طاهره، داف، گوشت، شاسی‌بلند، فروغ فرخزاد و... که برای متلک‌گویی به زنان کاربرد دارد، به دلیل تعصب گُردها بر روی زنان در زبان کردی معادل ندارد. علاوه بر تأثیرات مثبت در روابط اجتماعی، القاب در مواردی نتایج منفی و نامطلوبی در روابط اجتماعی دارند.

کتابنامه

- احمدی، محمدعزیز، (۱۳۸۸)، «لقب نمادی از هویت یا برجستگی از حقارت»، مجله انسان‌شناسی، شماره ۱۱، صص ۲۴-۹.
- رخزادی، علی، ۱۳۹۰، آواشناسی و دستور زبان کردی. چ ۲، تهران: انتشارات کردستان.
- زکی‌بیگ، محمدامین، ۱۳۸۰، زبده تاریخ کرد و کردستان، ج ۱، ترجمه یدالله روشن، چ ۱، تهران: توس.
- هال، رابرت، زبان و زبان‌شناسی، ی ترجمه محمدرضا باطنی، تهران، امیرکبیر، چاپ سوم، ۱۳۷۳
- Aitcheson, J. The Seeds of Speech: Language Origin and Language Evolution (Cambridge: Cambridge University Press, ۱۹۹۶)



- Brown, P. and S. C. Levinson (۱۹۸۷). *Politeness: Some Universals in Language Usage*. London: Cambridge University Press .
- ching Lin,Hsiao. (۲۰۰۷) ,*Nicknaming Practices among University Students in Taiwan*. MSc in Applied Linguistics. The University of Edinburgh .
- Culpeper ,j. (۲۰۰۵) ,Impoliteness and Entertainment. *Journal of pragmatics* .
- Lachenicht, L. G. (۱۹۸۰). “Aggravating Language: A Study of Abusive and Insulting Language”. *International Journal of Human Communication* .
- Lyons , J. *Language and Linguistics* , Cambridge: Cambridge University Press, ۱۹۸۱
- Morand, D. A. (۲۰۰۰). "Language and Power: an Empirical Analysis of Linguistic Strategies Used in Superior Subordinate Communication" *Journal of Organizational Behavior* .
- Reitman, D. , Rhode, P. C. , Hupp, S. D. A. , &Altobello, C. (۲۰۰۲). Development and validation of the parental authority questionnaire —revised. *Journal of Psychopathology and Behavioral Assessment* .
- Richards. Jack. C. (۱۹۹۲). *Dictionary of language teaching & Applied Linguistics*. UK. Leagman .